



حرفه‌ی ایتالیایی (Italian Job)

کارگردان: ف. گری گری
بازیگران: مارک والبرگ، ادوارد نورتون، شارلیز ترنر،
کریستینا کابوت، ماس دف و ...
محصول سال ۲۰۰۳ آمریکا

نادیا زگالوند

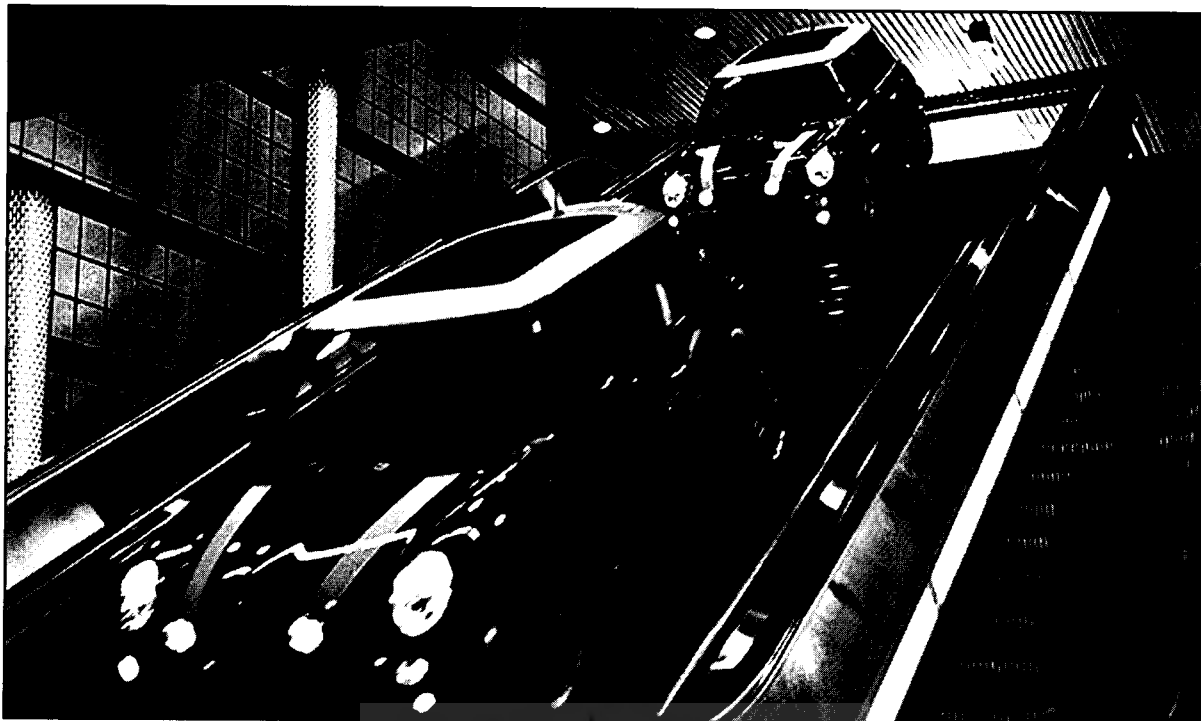
راب خوش‌تیپ (جیسون استیتم) قایقی را به زیر یک خانه‌ی مسکونی در ونیز هدایت کرده و جان (دونالد ساترلند) سردسته‌ی دزدها، به همراه چارلی کروگر (مارک والبرگ) شاگرد تازه‌کار، چپ‌گوش (ماس دف) کارشناس مواد انفجاری و لایل / نیستر (ست گرین) کارشناس رایانه که طرح سه‌بعدی مکان مسکونی را درون لپ‌تاپ خود دارد را پیاده می‌کند. دو طبقه بالاتر استیو (ادوارد نورتون) با استفاده از مسافت‌یاب لیزری و دستورالعمل‌های مخاربه‌شده توسط لایل، محلی را روی سقف خانه به دقت تعیین کرده و به وسیله‌ی مواد انفجاری به اندازه‌ی یک مربع کوچک آن را رنگ می‌کند؛ بارها عنوان کرده‌ایم که اشعه‌ی لیزر در روز روشن به راحتی دیده نمی‌شود، از طرفی چپ‌گوش روی سقف طبقه‌ی پایین‌تر در راستای همان مربع رنگ‌آمیزی شده، منطقه‌ی مربع‌شکل را با مواد انفجاری رنگ می‌کند. پس از انفجار، در کمال تعجب می‌بینیم که در این چند طبقه شکاف‌هایی در یک راستا به وجود می‌آید و گاو‌صندوق درست در یک خط مستقیم به پایین سقوط کرده و به درون قایق می‌افتد. چند ثانیه بعد راب خوش‌تیپ با وجود گاو‌صندوق درون قایق غرش‌کنان می‌گریزد و یک صحنه‌ی تعقیب و گریز معمول هالیوود به راه می‌افتد ... اما صبر کنید! گاو‌صندوق به‌طور معجزه‌آسایی به زیر آب افتاده است و جالب این‌که فضای آب هم همچون کریستال واضح و شفاف است. در حالی که در

دنیای حقیقت، این‌گونه نیست. فضای درون آب همیشه تیره و تار است اما جان زمانی که تلاش می‌کند در گاو‌صندوق را باز کند می‌تواند به راحتی اعداد روی صفحه‌ی قفل گاو‌صندوق را ببیند. اگر وضوح آب چیزی مانند آب پر از رسوب باشد مسلماً جان نمی‌تواند شماره‌های روی صفحه‌ی قفل گاو‌صندوق را حتی اگر ماسک غواصی‌اش را به صفحه بچسباند ببیند؛ رسوب نه تنها فضای زیر آب را کدر کرده و مانع دیدن هر چیزی می‌شود بلکه نور را هم پراکنده می‌کند. نورافکنی را زیر آب روشن کنید، متوجه خواهید شد که رسوب سنگین، اشعه‌ی نور را پراکنده خواهد کرد و به‌طور کلی اثر نوری را که به روی چیزی تابانده می‌شود از بین خواهد برد. وقتی پلیس - در این فیلم آدم‌بدها - از راه می‌رسند، نمی‌توانند دزدها را که زیر آب بودند، شناسایی کنند. البته می‌توان این صحنه را چنین توجیه کرد که انعکاس نور خورشید باید جلوی دید آن‌ها را گرفته باشد یا حواسشان با دیدن و خیره شدن به شکاف موجود روی سقف بالای سرشان پرت شده باشد.

وقتی در گاو‌صندوق باز می‌شود یک حباب بزرگ از درون آن خارج می‌شود. از قرار معلوم گاو‌صندوق تحت فشار آب قرار نگرفته است. فشار در عمق ۲ متری (۶ فوتی) حدود ۳ پوند در متر مربع خواهد بود. در این فشار، با فرض این‌که در گاو‌صندوق تقریباً ۲ پا (۰/۶ متر) عرض و ۴ پا (۱/۲ متر) طول داشته باشد، نیرویی که در آن بسته نگه می‌دارد باید حدود ۳۵۰۰ پوند (۱۵۰۰۰

نیوتن) باشد.

یکی از آن آدم‌بدها در هدایت قایق خود نسبت به راب خوش‌تیپ از مهارت کم‌تری برخوردار است و به پشت یک قایق بسته‌شده برخورد می‌کند و از آن‌جایی که خیلی اتفاقی درون قایق ثابت سطح شیب‌داری وجود دارد قایق به هوا پرتاب شده و سپس به پایین سقوط می‌کند. در این میان راب خوش‌تیپ و لایل همکاری با گاو‌صندوق تقلبی می‌گیرند. در صحنه‌ی بعد این دسته از مجرمان اصلاح‌ناپذیرمان را سوار بر یک وسیله‌ی نقلیه‌ی مینی‌بوس مانند پر از طلا می‌بینیم که از کوه‌های پوشیده از برف می‌گذرند. آن‌ها در مورد نحوه‌ی خرج کردن سهم خود با هم صحبت می‌کنند. جان، چارلی را به گوشه‌ی برده و او را تحسین و آن‌گاه پدرا نه نصیحت می‌کند. این نوع رفتار بین چنین مجرمانی کمی احساساتی به نظر می‌رسد. بالاخره استیو رفتار یهودا ماندی از خود بروز می‌دهد و گروه متوجه می‌شود که نمی‌بایست به کسی که نام مستعار دارد، اعتماد می‌کردند. او طلاها را دزدیده و به جان شلیک می‌کند. راب در تلاشی جهت فرار از میان رگباری از تیراندازی با مینی‌بوس عبور کرده و به سرعت می‌گریزد اما از روی گارد کنار پلی می‌گذرد و سر و ته درون دریاچه‌ی که نسبتاً یخ‌زده است فرود می‌آید. مینی‌بوس غرق می‌شود اما نگران نباشید، این گروه پر دل و جرئت به وسیله‌ی یک دستگاه اکسیژن غواصی زنده می‌مانند. استیو پس از خالی کردن تمام گلوله‌های تفنگ جنگی کلاشینکف



ندارد مینی کوپر بتواند چنین پرش‌هایی انجام داده و باز هم سالم بماند، چه برسد به این که ۶۰ درصد اضافه وزن را هم تحمل کند. علاوه بر آن چنین پرش‌ها و به دنبال آن سقوط مینی کوپر به پایین باید باعث جراحات‌های شدید در کمر راننده و سرنشینان آن شود. حتی سقوط از یک ارتفاع ۲ متری زیان‌بخش است و رانندگان بدلکار در این‌گونه مواقع روی صندلی‌های دارای سیستم ضربه‌گیری نمی‌نشینند.

فیلم «حرفه‌ای ایتالیایی» حاوی بی‌شماری از خطاهای فیزیکی در خصوص مینی کوپر هاست. بخش‌های هک کردن رایانه‌ی غیرواقعی است و سارقان از ابزارهای جادویی استفاده می‌کنند مانند دریل‌های دستی که در عرض چند ثانیه به درون فولاد محکم یا بتن نفوذ می‌کند. در ضمن تجهیزات رادیویی بدون کوچک‌ترین مشکلی در تونل‌ها کار می‌کنند و اصلاً شبیه تلفن‌های همراه ما که در اکثر جاها به درستی کار نمی‌کنند، نیست! در هر حال این فیلم محبوب دیوانه‌های اتومبیلرانی مینی کوپر هاست. این فیلم که از نگاه علم فیزیک در رده‌ی ۱۳ - PGP هنگام تماشای فیلم والدین کنار کودکان زیر ۱۳ سال خود نشستند تا آن‌ها به اشتباه نرفتند - قرار می‌گیرد و در سال ۲۰۰۳ آکران شد. کارگردان آن «ف. گری گری» است و بازیگرانی چون «مارک والبرگ، ادوارد نورتون، شارلیز ترون، کریستینا کابوت، ماس دف» و ... در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند ■

رایانه‌ی ارسال می‌شد و در همان حال به‌وسیله‌ی الگوریتم تمام فواصل موجود بین دیوارها با دقت تعیین می‌شدند.

از آن جایی که برای فرار سریع از «مینی‌ها» استفاده شده بود، موتورهای آن‌ها ارتقا یافته و فترندی‌هایشان قوی‌تر شده بود. این کار ایده‌ی خوبی به نظر می‌رسید اما چرا فقط یکی از این سه مینی کوپر مدل بی‌امو ارتقا یافته بود - منظور مینی کوپر قرمز رنگ است. این مدل دارای موتوری با قدرت ۱۶۳ اسب بخار سوپرشارژ شده است و می‌توانست با تأیید کارخانه تا ۲۰۰ اسب بخار ارتقا یابد. دو مینی کوپر دیگر موتورهایی با توان ۱۱۵ اسب بخار داشتند. این موتور بسیار سریع و چالاک است اما قطعات آن را نمی‌توان با موتورهای سوپرشارژ ۱۶۳ اسب بخار سازگار کرد چه برسد به موتور سوپرشارژ ۲۰۰ اسب بخار.

این گروه سرانجام شمش طلای به ارزش ۲۷ میلیون دلار را به سرقت می‌برند. اگر قیمت هر تروی اونس - ۱ تروی اونس برابر با ۱/۱۲ پوند و هر پوند برابر با ۴۵۴ گرم است - در سال ۲۰۰۳ که این فیلم ساخته شد را ۳۶۵ دلار در نظر بگیریم پس در هر مینی کوپر حدود ۹۳۴ کیلوگرم طلا وجود دارد. با توجه به این که یک مینی کوپر استاندارد فقط ۲۵۲۴ پوند و مینی کوپر ارتقا یافته و سوپرشارژ شده ۲۶۷۸ پوند وزن دارد، بنابراین برای مینی کوپر ۲۰۵۴ پوند وزن بسیار زیادی محسوب می‌شود.

در مورد پرش‌های مینی کوپر باید گفت امکان

خود درون آب منتظر می‌ماند تا این که جسد جان به روی آب شناور می‌شود، سپس می‌رود. در این جا دوباره با یک صحنه‌ی بسیار احساساتی روبه‌رویم؛ وقتی چارلی بالای سر جسد جان که کنار دریاچه آورده شده بود گریه می‌کند. اما این سارقان که کاملاً خیس هستند اصلاً از سرما نمی‌لرزند. تمام این ماجرا، فیلم را به طرح اصلی‌اش سوق می‌دهد: پس گرفتن طلا به‌وسیله‌ی کنترل چراغ‌های راهنمایی و رانندگی لس آنجلس (موطن جدید استیو) و استفاده از مینی کوپر برای فرار.

از آن جایی که مینی‌ها - طبق نظر سازندگان فیلم - مناسب حرکت درون راهروهای خانه‌ی مجلل استیو هستند برای سرقت بهترین گزینه محسوب می‌شوند. این راهروها ۶ پا عرض دارند و گوشه‌های آن با ۱۷/۵ پا شعاع چرخش مینی‌ها سازگاری دارد. به خاطر بسپارید که طول مینی‌ها ۱۲ پا است و باید آینه‌های بغل آن‌ها برداشته شود که مناسب راهروها باشند (مینی‌ها ۶/۳۲ پا عرض با آینه و ۵/۵۴ پا عرض بدون آینه دارند). ابعاد خانه‌ی استیو را به این دلیل می‌شناسیم که استیو به وسیله‌ی دوربین کوچک ویدیویی جاسازی شده در لباسش از قسمت‌های داخلی خانه فیلمبرداری کرده بود. اگرچه این روش به نظر جالب می‌آید اما داده‌های حاصل از یک دوربین که در لباس شخصی پنهان شده است و به‌طور تصادفی اطراف خانه و چند اتاق را می‌گردد، نمی‌تواند چنان دقیق باشد که بتوان ابعاد بخش‌های داخلی یک خانه را محاسبه کرد. با این حال اطلاعات ویدیویی به